

خوشبختانه در این حادثه به راننده تانکر اسید نیترسید و نیروهای امدادی نیز پس از ایمن سازی و رفع مخاطرات احتمالی با تحویل دادن صحنه حادثه به کارشناسان پلیس راه به مأموریت خود پایان دادند.

رئیس شورای شهر خرمشهر از سرقت خودروی پراید شهرداری این شهرستان و دستگیری سارق خودرو خبرداد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، موسی مطور جزیره، رئیس شورای شهر خرمشهر با بیان اینکه پس از سرقت خودروی پراید شهرداری خرمشهر، شناسایی سارق در دستور کار پلیس قرار گرفته گفت: بعد از گذشت یک هفته با بررسی کارشناسان آگاهی و مشاهده سرخ‌ها، سارق دستگیر شد. وی ادامه داد: سارق این خودرو متأسفانه رئیس آتش نشانی شهرداری خرمشهر بود که این خودرو را در یک منطقه دورافتاده مخفی و اقدام به اوراق کردن آن کرده بود. رئیس شورای شهر خرمشهر گفت: انتظار ما این است که هر کسی که بخواد شهر بیت‌المال دست درازی کند بر خورد قاطع شود.

داستان جنابی

گردوخاک غلیظی توی تاریکی بلند شده بود، زن و مرد به سرفه افتادند. آقا کوشه لب مرد خون می آمد، زن گفت: «یکی داره مباد» توی تاریکی راه می آمد، کسی دیده می شد که از پرلیدپاده شده بود و داشت به سمت آن سایه های سیاه می زد. زن گفت: «فقط فلان زن صندلی ته بده من» زن گفت: «تورو خدا حامد نکن» یکهو شیشه سمت مرد ترک کرد و شد و با ضربه دیگر ته چاقو مثل طلق تا خورد. خرده شیشه های شکسته به هم چسبیده بودند، زن هول کرد و دو قطعه جیب می زد. مرد به شد تا از زیر صندلی زن قفل فرمان رابیرون یکسکه کشید که چاقو توی پهلویش فرو رفت. خون شکت در می صندلی، تیغه چاقو که بیرون کشیده شد، مرد با ناله خودش را راست کرد و پایش را روی گاز میخ کرد، صدای فففففففففف لاستیک ها که بیخود می ریزد، زن هم های خاک می چرخیدند بلند شد، چهارستون ماشین به لرز افتاده بود. چاقو دوباره و محکم خورد و گردن مرد را بینا خون فواره زد، به بیرون دستش گیج و گول توی هوای چرخید و حالا محکم چسبیده به گردنش، خون توی گلویش چرخ می کرد و از میان لب هایش حباب می زد، یکبار، دوباره بلند خم شدن فلز آمد، دل را ریش می کرد، ماشین از جا کنده شد، تکیه کرد که به تیر سیمانی گیر کرد و دوباره کمال از جا درآمد، لاستیک تکیه کرد و ماشین مثل حیوانی و حش، باقیقا بلندی توی جاده رها شد، کج کوله تاب می خورد و با سرعت زیاد تاریکی را می شکافت، دست و مرد هنوز روی گردنش بود، چشم ها مثل شیل حلقه چرخیده بودند و صدتو غویظ از میان انگشتان شیل می زد، می رسید به تماشاها و از همانجا تا پایین می شریذ، بی مرد هنوز روی گاز میخ بود، توی جاده مثل تیر جلو می رفتند و با ناله ها و چیغ های زن در هم می آمیخت، ماشین روی شور شانه خاکی آن طرف جاده منحرف شد، به چند سنگ بزرگ خورد و مرد و میان بوته ها سایه بهروت آن قدر رفت تا اینکه توی چاله ای لنگر خورد و تا آنجا افتاد. صورت و زن خمی بود، بوی لاستیک سوخته، طعم تلخی به تاریکی می داد، چراغ کمسوی داخل ماشین لپ لپ می زد و خاموش روشن می شد، صدای موتور ماشین، مافوق تاریکی دودی که از جلوه های آسمان سایه می شد، به مثل قهرهای قیر ماشین با حاشیه برقه ای بود، زن سر خاند تا جاده را ببیند، کمال را پرید را آن دورها دید، توی نور موتوهای چراغ، سایه سیاه سفر را دید که صدای خنده شان تا اینجا می آمد، دوتا از آن ها به سمت ماشین می آمدند، زن را در باستی خیز باز کرد، پاهایش را گذاشت توی تاریکی و بوته های خروار توی گوشت شافش خلیه، خودش را به سمت راست انداخت و روانه دستمه در پرید و محکم کشید، چنه مرده بی حرکت بود، صدای خرخر آرمی مانند صدای گریه از حجره اش می آمد، زن تنه تاریک مرد را دوستی سنجید و تا تمام توأش کشید، ناآهانه مرد بیرون خم شد و پایش انگار جایی از زیر کلاه کشید، گریه کرد، بود، زن پرلیدپاده آن دور، فقط یکسکه کیده را پرید ایستاده بود و این سمت را تماشا می کرد، دوفر دیگر توی سایه ای، ناپید بودند. زن نزدیک حشاش می کرد و گردن تمام مویرگ هایش را مثل اسید ذوب می کرد، زن دوباره چنگ زد و محکم کشید بعد توی سایه های ششش را دراز کرد و حوس کرد بر جستگی از توی دفریز دستش است، تقلا کرد، توان فرسوده اش را به کار برد و پای خشکیده، از لای پدال های فلزی کشیده شد و حشه مرد همانجا توی بوته های سایه واگون شد، زن گریه می کرد، گفت: «ببخشید... چاره ای ندارم» ششش و در را محکم می بهم کوفت، استارت زد و موتور ماشین چنه تیرف خشک کرد و دستش کوفت، زن سر بالا کرد و دوفر خودش سایه دور مرد را دید که ایستاده اند...

محمدرضا
خوشرو، رئیس
اورژانس
شهرستان
همد
با اعلام ۲ حادثه
غرق شدگی
برای ۲ کودک،
مدادگران به
محل اعزام
شدند در این
حوادث کودکی
هجده ماهه
در روستای
نعمت آباد خفر،
درون جوی آب
سقوط کرد و
جان باخت. در
حادثه بعدی نیز
دختری پانزده
ماهه به دلیل
سقوط در آب،
به بیمارستان
انتقال یافته و
خوشبختانه از
مرگ رنج نبرد.

۱۷ شهروند مشهدی طعمه مسابقه پیامکی شدند و داروندارشان را باختند

 m.ghorani@shahraranews.ir

● روایت دوم: برنده عتبات

«عکس پروفایلش آرم صد و سیما
کشور بود. خودش را نماینده این سازمان
معرفی کرد. ابتدا توجهی به پیام هایش
در واتس آپ نکردم اما وقتی اطلاعات
هویتی ام را برایم ارسال کرد مطمئن شدم
که از صد و سیماست. او کد ملی، نام پدر
و حتی نشانی خانه ام را برایم ارسال کرد.
او می گفت که در مسابقه پیامکی، برنده

راحت شد. با شماره‌ای که در واتس‌آپ برای فرستاده شده بود تماس گرفتم و مردی جوان مواردی را گفت و من هم موبه‌مان‌ها را انجام دادم. زمانی نگذشته بود که پیامک کسر ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار حساب‌برایم ارسال شد. تازه فهمیدم که بازی خورده‌ام و مسابقه دهنده ه میلیونی عملی بوده برای فریب من. با دست خود ثمر یک ماه تلاشم را به کارت فردی ریخته‌بودم که اصلاً او را

اخبار جهان

مسجد جامع بیت الصلوات در محله نارایان کتج واقع در ۵۰ نمازگزاران مشغول دیگر مجروح شدند. لحظه وقوع انفجار نمازگزاران مشغول برگزاری نماز مغرب و عشاء بودند. به گفته پلیس، شست لوله گاز، دلیل این انفجار بوده است. بر اثر این حادثه چندین دستگاه کولر گازی داخل مسجد نیز منجر شده که این امر باعث افزایش تلفات شده است. آتش نشان ها پس از یک ساعت تلاش توانستند حریق را خاموش کنند.

این مقام مسئول در پایان از شهروندان خواست تا به هیچ وجه اطلاعات شخصی خود را در اختیار افراد ناشناس قرار ندهند و به مسابقات یا آگهی‌های فریبده آن‌ها که از کانال مراجع غیررسمی در فضای مجازی منتشر می‌شود اعتماد نکنند.

این مقام ارشد پلیس فتای استان به نحو دستیابی متهم با متهمان این پرونده به اطلاعات حقوقی اشاره کرد و گفت: شاکیان از قبل قرب یک سرودی شبکه‌های ماهواره‌ای و گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی را خریده بودند و به مسابقه پیامکی شرکت کرده بودند. اگر پیرونده این مسابقه پیامکی به این صورت بود، است که شرکت کنندگان «صدرصد برنده خواهند بود» و مال باختگان نیز با این خیال که مبالغی را دریافت خواهند کرد در این مسابقه شرکت کرده و اطلاعات خود را در اختیار سوءاستفاده‌گران قرار داده بودند.

رئیس پلیس فتای استان خراسان رضوی، دربارۀ شرکت جدید کلاهبرداری با نام افراز آوا گفت: از ابتدای هفتۀ گذشته تاکنون ۱۷ نفر از شهروندان مشهدی به مرکز پلیس فتای استان مراجعه و بیان کرده اند که میبایگی با ترفند برنده شدن در مسابقۀ میبایگی از حساب بانکی این افراد داشته شده است. متهم با متهمان این پروندۀ با ارسال یک سری اطلاعات هویتی برای مال باغیان و جعل عنوان نماینده سازمان تعاونیهای کشور اعتماد شایکان را جلب کرده و سپس آن ها را به درگاه های جعلی بانک هدایت می کردند. مال باغیان هم خوشحال از برنده شدن در مسابقۀ میبایگی بوده اند بدون توجه به درگاه مورد نظر آنها حساب خود را در این سایت

وینور: یک گردشگر فرانسوی هنگام به علت همراه داشتن دو کیلوگرم ماسه ای جزیره ساردینیا بازداشت شد. پلیس بصریت دو کیلوگرم ماسه از وسایل شخصی جرمه کرد. گفته می شود که شن و ماسه بکر ساردینیا بازارش هستند و یکی از ده در خاک آنتیاپا به حساب می آیند. سال نیز یک زوج فرانسوی در حالی که قصد از ساردینیا به مقصد تونس، شهر جنوبی ۴۰ کیلوگرم شن و ماسه دستگیر شدند.

نمونه	زهر آلود	ستون	پادگانی	مشکل	غذای زمین	زا آینده	سنگریزه	مظهر
موسس پاناسونیک	سیبکی جات	دادگر ریختن	در تهران مایه اهنگ	نیم تنه مردانه	یکی از دوجنس	کجاست؟ حیوان باوقا	ماه ششم کیف پشتی	سبکی
شهر یازده			نیرومند		حلقه نبرد		ضربه شمشیر	
اهل شهر ارگ جوشیدن	انواع	اطلاعات رایانه ای					بار مسومن گیاه روز تفتیان جام معروف	مازیفست
افق عهده پشته سربدی	کشیدنی بچه جستن معدنچی						ناپردی خوراکی ستور	
روسپی		شلغم تشنه نگار یک حرف	آنجی نشا	حرارت بدن بیمار حرف انتخاب	حشره هواپیما مرغابی تازی	دعای بد ام البشر حرف مکرر	همراهی عرب لت منفی چوب خوشبو	سنگ زینتی سبز رنگ
تشیبه			اعلام خطر				راه رفتن قفل لباس	